

**دستگیری اشرار سابقه‌دار مسعودیه**

مأموران پلیس آگاهی تهران ۲ عامل اصلی شرارت در منطقه مسعودیه را دستگیر کردند. متهمان که از چهره‌های شناخته‌شده در ایجاد مزاحمت برای شهروندان هستند، به جرم نزاع دسته‌جمعی، اخلاف در نظم عمومی و قدرت‌نمایی با سلاح سرد بازداشت شدند.

**کشف جسد سلنا کوچولو در آب بند**

۴ روز پس از مفقود شدن سلنا عباسی، دختر ۳ ساله در حوالی اردبیل، پیکر بی‌جان او در یک آب‌بند کشف شد. سلنا که ساکن روستای چهل قره بود، روز هفتم خردادماه مفقود شد و پس از ۴ شبانه‌روز جست‌وجو جسدش در یک آب‌بند که حدود یک کیلومتر با خانه‌شان فاصله داشت، کشف شد. تحقیقات در این باره ادامه دارد.

**داخلی****نجات معجزه آسا بعد از ۷ روز**

مرد جوانی که ۷ روز در کوه‌های ایلعلی بسرگردان بود به طرز معجزه‌آسایی نجات یافت. به گزارش همشهری، این جوان ۳۰ ساله که محمد نام دارد، چند روز پیش به پیست ایلعلی رفت، اما پس از چند ساعت، وقتی قصد بازگشت داشت، موفق نشد محل پارک ماشینش را پیدا کند. او گوش موپالیش را هم داخل ماشین جا گذاشته بود و در شرایطی که همچنان به دنبال آن می‌گشت در ارتفاعات سرگردان شد.

محمد بدری، مسئول امداد و نجات جمعیت هلال احمر دماوند به همشهری می‌گوید: وقتی خانواده مردی جوان ماجرا را به هلال احمر خبر دادند، جست‌وجو آغاز شد و امدادگران ماشین او را در ارتفاعات پیدا کردند، اما اثری از او نبود. در این چند روز جست‌وجو ادامه داشت تا اینکه پس از یک هفته ۲۴ کیلومتر پیش در پیست ایلعلی گم شده بود. امدادگران او را در حالی که در منطقه باغ بهشت، مردی را دیده‌اند که حال وخیمی دارد، اما زنده است. بدری ادامه می‌دهد: ۳ تیم نجات با تجهیزات ویژه راهی آنجا شدند و معلوم شد که او همان فردی است که ۷ روز پیش در پیست ایلعلی گم شده بود. امدادگران او را در حالی که پاهایش روم کرده بود و توان راه رفتن نداشت، ۷ کیلومتر دورتر از جایی که گم شده بود در کنار رودخانه پیدا کردند. این مرد با استفاده از تجهیزات ویژه و به پایین ارتفاعات منتقل شد و برای انتقال به بیمارستان در اختیار اورژانس قرار گرفت.

در همین حال، عرفان سگری، پسر عمه جوان گمشده نیز به همشهری می‌گوید: محمد بعد از اینکه در کوه گم شد ۲ روز راه رفته بود و از یک صخره پرت شده بود پایین و کنار رودخانه افتاده بود تا اینکه کوهنوردان پیدایش کردند و نجات یافت. او در این مدت از آب رودخانه برای برطرف کردن تشنگی استفاده کرده و بدنش کاملا سوخته بود، پاهایش روم کرده بود و آب بدنش را از دست داده بود، اما با وجود این زنده ماند و اکنون تحت درمان است.

**فاتنه احدی | روزنامه‌نگار**

گزارش  
قاتلی که به حرمت عید غدیر بافته و از سوی اولیای دم بخشیده شده بود، تنها ۲۴ ساعت پس از آزادی، چیزی به شزوج جوان را تأمین کرد تا در آستانه عید آنها را راهی خانه بخت کند.

به گزارش همشهری، شروع این پرونده به یکی از روزهای آذرماه سال ۱۳۹۵ بر می‌گردد. آن روز مردی با مرکز فوریت‌های پلیسی یکی از شهرهای استان فارس تماس گرفت و با صدایی لرزان به اپراتور پلیس گفت: من زنم را کشته‌ام... بیابید... او دیگر نفس نمی‌کشد.

**آغاز یک کابوس**

ماموران پلیس که به محل حادثه رسیدند، با صحنه‌ای تلخ مواجه شدند. جسد بی‌جان زن ۲۶ ساله‌ای که تنها ۴ ماه از آغاز زندگی مشترکش می‌گذشت، بر زمین افتاده بود. در بررسی‌های اولیه و با جویسی از مرد، زوایای تاریک این جنایت آشکار شد. آن طور که تحقیقات نشان می‌داد، ماجرا از یک مشاجره ساده شروع شده بود؛

**ندری به یاد زندگی**

تازه‌دادماد که حالا جوانی ۳۶ ساله است و ۱۰ سال از عمرش را پشت میله‌های زندان گذرانده است، ظهر دوشنبه یازدهم خردادماه با بخشش انسان‌دوستانه پدرزن و مادرزنش از زندان آزاد شد. او اما از چند روز قبل وقتی خبر بخشش و امضای خانواده مقتول پای بر که رضایت را شنیده بود تصمیم گرفت برای جبران مافات و به شکرانه این بخشش، کار انسان‌دوستانه‌ای به نیت آرامش روح مقتول انجام دهد. او با عزم راسخ تصمیم گرفت هزینه چهره‌های شزوج جوان را که به دلیل مشکلات مالی در آغاز

**اولیای دم به حرمت عید سعید غدیر خم قاتل را بخشیدند****چهره‌ی قاتل برای ۵ عروس****سایه سنگین چوبه دار**

پس از تکمیل پرونده و طی مراحل قانونی، حکم قصاص برای مرد صادر شد. روزهای حبس برای او شمارش معکوس برای رسیدن به پایان زندگی بود. او بارها تا پای چوبه دار رفت، اما در لحظات آخر، به دلایل مختلف از جمله عدم حضور اولیای دم در پای چوبه‌دار، اجرای حکم به تعویق افتاد. در این میان تلاش‌های بسیاری برای صلح و سازش انجام شد. بزرگان شهر، ریش‌سفیدان و سفیران صلح تلاش بسیاری انجام دادند تا جانی را از مرگ نجات دهند.

**معجزه‌ای به حرمت غدیر**

یک‌دفعه دیدم دیگر نفس نمی‌کشد. سایه شد و رهایش کردم، اما کار از کار گذشته بود.»  
او ادعا می‌کرد که پس از این حادثه ۱۲ ساعت تمام بالای سر جسد همسرش نشسته و گریه کرده است، گوی هنوز باور نداشت زندگی‌ای که با هزار امید آغاز کرده بود، در کمتر از ۶۰ غرور به چنین فرجام خونینی رسیده است.

مشاجره‌ای که به فاجعه انجامید. تازه‌دادماد که مدام اشک می‌ریخت در بازجویی‌ها اعتراف کرد: «همیشه به من گیر می‌داد. مدام از من ایراد می‌گرفت که چرا سرم توی گوشه‌ای است، چرا دیر از سر کار می‌آیم و چرا به او توجه نمی‌کنم. آن روز هم دوباره شروع کرد به غرزدن و فریاد کشیدن. عصبانی شدم، وقتی جیغ کشید، دستم را روی دهانش گذاشتم تا ساکت شود،

**وقتی**

زندگی‌شان مانده بودند، تأمین کند. وی می‌گوید: «وقتی کابوس‌های طناب دار پایان یافت، با خود عهد بستم که نذر ما را ادا کنم. از همان روزی که درهای زندان گشوده شد و من پشت میله‌ها گرفتار شدم، نذر کردم که اگر روزی آزاد شدم هزینه چیزی به چند نورووس را به نیت همسرم که از دست رفته پرداخت کنم. ۱۰ سال از ندری که کرده بودم گذشت؛ البته ۱۰ ساله‌ای که برای من به اندازه صد سال گذشت، چون هر یک روز زندگی در زندان به اندازه هزار ساعت می‌گذرد. از سوی دیگر کابوس چوبه دار نیز لحظه‌ای رهایم نمی‌کرد.» وی ادامه می‌دهد: «در نهایت مرا به حرمت عید غدیر و بدون هیچ چشمداشتی بخشیدند و تا عمرم مدیون آنهایی هستم که به من فرصت زندگی

دوباره دادند؛ همانهایی که من جگر گوشه‌شان را گرفتم و با دستانتان خودم زندگی‌ام را ویران کردم. به‌خودم قول داده‌ام تا وقتی نفس می‌کشم و فرصت زندگی دارم، به نیت آرامش روح مقتول به افراد نیازمند کمک کنم.»  
سرعت عمل این مرد برای جبران گذشته شگفت‌آور بود. تنها ۲۴ ساعت پس از آنکه طعم آزادی را پس از سال‌ها حبس چشید، در روز سه‌شنبه، درست در آستانه فرارسیدن عید سعید غدیر خم، مراسم عقد شزوج جوانی را بر پا کرد که هزینه چیزی به‌شان را تأمین کرده بود. این شزوج در آستانه عید غدیر خم و با کمک قاتلی که به زندگی بر گشته، راهی خانه بخت شدند تا زندگی‌هایشان را بسازند.

**رونمایی از المان فاخر غدیر در میدان غدیر مشهد مقدس**

جاوید کیانی، رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد: المان فاخر غدیر به‌عنوان یکی از آثار شاخص جشنواره هنرهای شهری مشهد ۱۴۰۵ با هدف بازنمایی یکی از مهم‌ترین نمادهای هویتی و اعتقادی جهان تشیع طراحی و اجرا شده است. این اثر همزمان با شب عید غدیر رونمایی خواهد شد.

**ندوی طرح جامع گردشگری طبیعت اصفهان**

مهدی جمالی‌نژاد، استاندار اصفهان: طرح جامع شناسایی و توسعه گردشگری طبیعت در این خطه تدوین می‌شود. با همکاری اداره کل حفاظت محیط‌زیست، مناطق مناسبی برای توسعه گردشگری طبیعت تعریف شده است تا در ایام پیک سفر، ضمن حفظ محیط‌زیست، فرصت حضور علاقه‌مندان به طبیعت فراهم شود.

**کوتاه‌تر از گزارش****تربت حیدر به****پایتخت فرش «بلوچی خراسان»**

تاریخچه فرش بلوچی مشخص نیست اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد بافت فرش در میان عشایر و روستاییان بلوچ ریشه‌ای کهن دارد و از دیرباز به‌عنوان یک نیاز اساسی برای زندگی در شرایط سخت آب‌وهوایی منطقه (پوششی برای کف، عایق سرما و گرما) و هم به‌عنوان ابزاری برای نمایش ذوق و هنر زنان بلوچ مورد توجه بوده است. مواد اولیه فرش بلوچی در گذشته پشم گوسفندان و طرح‌ها و نقوش فرش بلوچی نیز شامل نقوشی چون «شانه» که نمادی از شاه‌زمن و آراستگی است، «لچک» که به معنی سرزندگی زنان بلوچ است، شتر (نمادی از زندگی عشایری و سفر)، «گل» (با الهام از طبیعت) و نقوش هندسی پیچیده بوده است.



فرش بلوچی در واقع از قبایل کوچ‌نشین بلوچ سرچشمه می‌گیرد که عمدتاً در منطقه ایران، افغانستان و پاکستان امروزی زندگی می‌کنند. این فرش‌ها بیانگر هویت فرهنگی بلوچ و سنت‌ها و شیوه زندگی آنهاست. سبک زندگی کوچ‌نشیینی بلوچ‌ها نه تنها بر تکنیک‌های فرش‌بافی، بلکه بر مواد مورد استفاده آنها نیز تأثیر گذاشته است. با توجه به ماهیت عشایری این جوامع، فرش‌های بلوچی اغلب در شرایط ساده‌ای تولید می‌شود که خلاقیت و فردیت خودجوش را در هر قطعه پرورش می‌دهد. مرد بلوچ از فرش‌های خود نه‌تنها برای تزئین، بلکه به‌عنوان وسایل کاربردی روزمره در چادرهای خود استفاده می‌کنند. علاوه بر کیفیت فرش بلوچی که نتیجه استفاده از پشم مرغوب است، یکی دیگر از ویژگی‌های بارز فرش‌های بلوچی تکنیک گزنی آنهاست. به‌دلیل همین ویژگی‌هاست که در روزهای گذشته فرش تربت‌حیدر به نام «بلوچی خراسان» ثبت ملی شد. در این منطقه در سال به‌طور میانگین ۷ هزار متر مربع فرش تولید می‌شود که ۹۰ درصد آن به کشورهای اروپایی صادر و ۱۰ درصد جذب بازارهای داخلی می‌شود. در گذشته در منطقه تربت‌حیدر به نزدیک به ۲۴ هزار بافنده در ۳ شهرستان تربت‌حیدر، زاده و مولات‌فعال بودند که شمار آنها اکنون به ۱۰ هزار نفر کاهش یافته و برای نزدیک به ۶ هزار نفر از آنان کارت شناسایی صادر شده‌است.

**پیگیری | رحله‌عبدالحسینی: روزنامه‌نگار****کمبود هزار لیتر در تانیه آب‌در زاهدان**

حسینعلی شهرداری، نماینده زاهدان به تازگی از کم‌آبی در این شهر خبر داده و گفته بود که زاهدان هزار لیتر در تانیه کمبود آب دارد و طبق گفته بعضی از شهروندان، برخی دچار مشکل هستند. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب سیستان و بلوچستان با اشاره به اینکه کسری هزار لیتر در تانیه آب در زاهدان در زمان اوج مصرف است، به همشهری گفت: «زاهدان در زمان اوج مصرف با کسری هزار لیتر در تانیه آب مواجه است و هم‌زمان با شروع فصل گرم‌سال و آغاز به‌کار کولرهای آبی بافت فشار و قطعی آب مواجه می‌شویم. هر چند تأمین آب مورد نیاز شهرها و روستاها با تمام ظرفیت در حال انجام، اما پایداری این خدمت حیاتی بیش از هر زمان دیگری به همراهی مشترکان و تبدیل صرفه‌جویی به یک رفتار روزمره وابسته است.»

هر فادس سرگزایی درباره محدودیت‌های منبع اولیه تأمین آب زاهدان افزود: سفره آب زیرزمینی دشت زاهدان به‌عنوان منبع اولیه تأمین آب شهر محدودیت زیادی در کیفیت و کمیت دارد. این دشت از کوه‌های غرب و جنوب غرب از محدوده‌های چشمه زیارت گوربند و بوکی تغذیه می‌شود و از لحاظ زمین‌ریخت‌شناسی (ساختار) از رشته جغرافیا که به بررسی چگونگی به‌وجود آمدن اشکال مختلف طبیعی در سطح زمین می‌پردازد) یک مخروط افکنه بزرگ رسوبات مخروطی در حواشی کوهستان هامچسوب می‌شود که انتهای خروجی آن در شمال شرق رودخانه لار است. «چاه‌های سطح شهر زاهدان در محدوده‌های جنوب غرب و غرب زاهدان نیز به‌عنوان نقاط برداشت آب از سفره زاهدان مورد بهره‌برداری قرار دارند که عمدتاً فاقد اب‌دهی مناسب و یا دارای کیفیت لب‌شور هستند. به گفته سرگلزایی، منابع فعلی تأمین آب شهر زاهدان شامل خط انتقال زابل و ظرفیت چاه‌های داخل شهر است، اما به‌واسطه پتانسیل منفی سفره‌های زیرزمینی ناشی از کاهش بارندگی، عملکرد این چاه‌ها با افت اب‌دهی مواجه شده که حساسیت پایداری شبکه را دوچندان کرده است.

